

ادامه از صفحه ۴

بورس وسال جهش تولید

نبود تناسب بین بخش حقیقی اقتصاد و رشد‌های غیرمتعارف در بورس گواه آن است که رونق صورت‌گرفته در این بازار رونقی مصنوعی و راهکاری برای افزایش قیمت شرکت‌های دولتی، پاک‌سازی بدهی‌های آنها و منافع گروهی رانت‌جو است. نقش دولت و شرکت‌های دولتی در این بسیار مشخص است. جهش‌های ایجادشده در این بازار تناسب معناداری با عملکرد و بازدهی‌های شرکت‌های بورسی ندارد. زمانی‌که قیمت سهام شرکت‌های ورشکسته دولتی و شبه‌دولتی در بورس چندین برابر می‌شود، این به آن معناست که بدون آنکه بهبودی در عملکرد این شرکت‌ها حاصل شده باشد، صرفا از طریق سفته‌بازی، قیمت‌ها اوج گرفته و سودهایی را نصیب افراد و گروه‌هایی می‌کند. چنین بازدهی‌های غیرمتعارفی در بازار سرمایه که کمترین تناسب را با بخش حقیقی اقتصاد دارد، برای جامعه و فعالان اقتصادی حاوی این پیام است که سیستم پاداش‌دهی در این کشور بر مدار سوداگری، رانت‌جویی و برخورداری‌های بی‌زحمت می‌چرخد و تا زمانی که با کمترین تلاش، می‌توان بیشترین عایدی را برداشت کرد، سرمایه‌گذاری در تولید با انواع و اقسام هزینه‌ها، ریسک‌ها و تنگناها، رفتاری غیرعقلانی خواهد بود.

از سوی دیگر این باور غلط در محافل علمی و سیاست‌گذاری شکل گرفته است که از کانال بورس، نقدبنکی جامعه جذب و شرکت‌های تولیدی تأمین مالی می‌شوند؛ بنابراین رونق بورس را به فال نیک می‌گیرند. این در حالی است که با وجود رشد بسیار بالای شاخص کل بورس در سال ۹۸، طبق گفته رئیس فعلی سازمان بورس، تأمین مالی شرکت‌های سهامی عام و بخش خصوصی از بازار سرمایه به یک سوم در این سال رسید. دراین‌بین زیان‌کنندگان اصلی اتفاقا تولیدکنندگان کوچک و متوسطی هستند که به واسطه جذب حجم عظیمی از نقدیگی در بورس، برای تأمین سرمایه در گردش خود با بحران و کمبود روبه‌رو می‌شوند. همچنین اختلالات، آشفته‌گی‌ها و بی‌ثباتی‌هایی که از فروریختن بازار بورس ایجاد خواهد شد، بیشتر از همه گریبان بخش‌های مولد اقتصاد را خواهد گرفت. در کشورهای پیشرفته دنیا، رونق‌بخشی به بورس در کنار سازوکارهای نهادی کارآمد، به تأمین مالی تولید و تحرک بخشی اقتصاد می‌انجامد. این در حالی است که آنچه در کشور ما رخ داده، دقیقا ضد تولید عمل کرده است.

در حالی که عنوان سال «جهش تولید» را دارد، لازم است رویه‌های ناسالم گذشته اصلاح و مناسبات رانتی که به‌شدت علیه تولید، تلاش و نوآوری عمل می‌کنند، برچیده شوند. در غیراین‌صورت حتی حفظ شرایط موجود برای تولید دور از انتظار است. آمارهای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات گواه این مطلب است که انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری مولد در کشور وجود ندارد. براساس آمارهای اعلامی مرکز آمار ایران، نرخ رشد تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات در ۹ ماهه اول سال ۹۸ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۵- درصد بوده است. همچنین نرخ رشد این شاخص در سال ۹۷ در مقایسه با سال ۹۶، -۷ درصد بوده است. این به آن معناست که بخش مولد اقتصاد انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری ندارد و زمانی که سرمایه‌گذاری صورت بگیرد، رشد و جهش تولید دور از انتظار خواهد بود.

مسئله تولید فقط مسئله گروهی خاص از جامعه نیست و چنانچه بیش‌ازاین شاهد تضعیف بخش‌های مولد کشور باشیم، باید منتظر افزایش انواع وابستگی‌ها به دنیای خارج، سرخوردن شدن نیروهای انسانی تربیت‌شده در کشور و بحران اشتغال بود که به گسترش بیش‌ازپیش فقر و نابرابری و بروز ناآرامی‌های اجتماعی خواهد انجامید. هزینه‌های مضاعفی را تحمیل خواهد کرد. امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند همکاری و همراهی تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی بخش خصوصی هستیم تا عبور از بحران ناشی از تشدید تحریم‌ها، شوک کرونا و سقوط قیمت نفت، ممکن شود. این همراهی و همکاری نیازمند اعتمادسازی است. تولیدکنندگان کشور در چند سال اخیر انواع هزینه‌های مبادله غیرمتعارف را متحمل شده‌اند و با شرایطی به‌غایت بی‌ثبات روبه‌رو بوده‌اند و امروز برای حفظ تولید و نیروی کار خود نیازمند توجه ویژه از سوی کل حاکمیت هستند. تقویت بنیه تولید نیازمند اصلاح قواعد و قوانین به نفع بخش‌های مولد اقتصاد است. برخورداری‌های غیرمتعارف و بی‌زحمت باید جای خود را به عواید ناشی از سرمایه‌گذاری در بخش حقیقی اقتصاد بدهد. در این راستا با طراحی یک برنامه جامع و هدفمند در راستای اصلاحات اساسی در حوزه سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری هم‌راستا و هماهنگ با هم در خدمت بخش مولد و مسودکردن همه کانال‌های رانت‌جویی به صورت هم‌زمان، می‌توان به آینده ایران امیدوار بود و چشم‌انداز مقبولی را برای کشور انتظار داشت.

شرق: بهای معاملات آتی نفت برنت در روز چهارشنبه، ۵۸ سنت معادل ۱.۹ درصد کاهش یافت و به ۲۹ دلار و ۴۰ سنت در هر بشکه رسید. این اتفاق در حالی رخ داد که این شاخص روز سه‌شنبه ۱.۲ درصد افزایش داشت. برخی کارشناسان علت را ترس از موج دوم شیوع ویروس کرونا اعلام کردند. اما در مقابل، برخی دیگر از تحلیلگران بازار نفت بر این باورند که بازار نفت نسبت به اخبار منفی، دیر واکنش نشان می‌دهد و ترس از موج دوم کرونا تا زمانی که به واقعیت بدل نشود، نمی‌تواند سقوط قیمت نفت را موجب شود. بنابر این تحلیل، اتفاق رخ‌داده، فقط یک نوسان عادی در بازار نفت به‌شمار می‌رود. باین‌حال، پیش‌بینی ریزش جدی قیمت نفت در مرحله دوم (اواخر ماه می یا اوایل ماه ژوئن)، کمکان باقی است که علل دیگری از جمله

اتمام ظرفیت ذخایر را در خود پنهان دارد اما نکته درخورتوجه آن است که عملکرد اخیر آمریکا برای کاهش سه میلیون بشکه در روز که تا یک ماه آینده به وقوع می‌پیوندد، می‌تواند روند بازار را تغییر دهد و از وقوع موج دوم ریزش قیمت نفت جلوگیری کند. به‌این‌ترتیب، احتمال می‌رود که موج دوم ریزش قیمت نفت رخ ندهد و بازار به ادامه ریزش اولیه قیمت نفت تا ریکاوری خود، ادامه دهد.

کاهش قیمت نفت از ترس موج دوم ویروس کرونا
به گزارش رویترز، قیمت نفت روز چهارشنبه به دلیل نگرانی سرمایه‌گذاران از موج دوم شیوع ویروس کرونا در کشورهایی که کاهش محدودیت‌های قرنطینه را آغاز کرده‌اند و همچنین رشد ذخایر نفت آمریکا کاهش پیدا کرد.

نگرانی‌ها از رشد ذخایر نفت آمریکا تحت‌الشعاع درخواست عربستان سعودی برای کاهش تولید به مدت طولانی‌تر به‌منظور متعادل‌شدن بازار نفت قرار گرفت. این کشور روز دوشنبه اعلام کرد که در ژوئن یک‌میلیون بشکه دیگر در روز به کاهش تولید خود اضافه خواهد کرد و مجموع تولیدش را به ۷.۵ میلیون بشکه در روز می‌رساند. بلافاصله امارات متحده عربی و کویت اعلام کردند مجموعا ۱۸۰ هزار بشکه در روز به کاهش تولیدشان اضافه می‌کنند. به گفته اسفان اینز، استراتژیست بازار در شرکت آکسی‌تریدر، اگرچه بازار در بخش عرضه آسودگی خاطر بیشتری پیدا کرده است اما توجهات معطوف

شرکت ملی نفتکش در واکنش به جوابیه‌ای که با عنوان «لطفا عکس واقعی منتشر کنید» منتشر شد، جوابیه دیگری را مجددا به روزنامه ارسال کرده است که متن آن در ادامه می‌آید:

وکیل چند خانواده معترض شهدای سانچی در جوابیه‌ای که در پاسخ به مطلب منتشرشده توسط شرکت در شماره ۳۷۱۰ مورخ ۱۴ اردیبهشت روزنامه «شرق» منتشر شد، جوابیه‌ای در شماره ۳۷۱۸ مورخ ۲۳ اردیبهشت مجددا در روزنامه «شرق» منتشر کرد که به جز اینکه نشر اکاذیب به شمار می‌رود، تحریف مطالب مطرح‌شده این شرکت در مقاطع مختلف نیز محسوب می‌شود. در این راستا، توضیحات ذیل در پاسخ به این مطلب قابل ذکر است:

۱- وکیل خانواده‌های معترض در این مطلب عنوان کرده است که ابلاغیه دادگاه فدرال آمریکا به مسئول حقوقی شرکت ملی نفتکش ارائه شده که نامبرده از گرفتن آن خودداری کرده است و سپس اوراق ابلاغیه‌ا‌نطریق مرسوله به مدیرعامل این شرکت در تاریخ ۹۸/۱۱/۲۸ تحویل شده است. این شرکت ضمن تکذیب این ادعا شایان ذکر می‌داند که اولاً هیچ مراجعه‌ای به مسئول حقوقی شرکت برای ابلاغ اوراق دعوای دادگاه فدرال آمریکا نشده است. ثانیاً، محتوای مرسوله‌ای که وکیل این خانواده‌ها مدعی ارسال آن به این شرکت است، به‌هیچ‌وجه اوراق قضائی دادگاه فدرال آمریکا نبوده است بلکه محتویات آن تصویر مطالب منتشرشده در روزنامه‌های راجع‌به واقعه سانچی مربوط به سال‌های ۹۶ و ۹۷ بوده است. ثالثاً فراتر از این، مطابق با مقررات حقوقی، اساساً یکی از اصحاب دعوا نمی‌تواند به‌عنوان مأمور ابلاغ، اوراق قضائی مربوط به یک دادگاه را به طرف دعوای خود ابلاغ کند. ۲- وکیل خانواده‌ها در ادامه ادعاهای خود حتی مطلب چاپ‌شده این شرکت در شماره ۳۷۱۰ مورخ ۱۴ اردیبهشت روزنامه شرق را قلب کرده و اظهار این شرکت مبنی‌بر عمل‌کردن به تکلیف قانونی مندرج در ماده ۲۶ قانون ثبت‌احوال را به عمل‌کردن به این ماده قانونی تغییر داده است که دیگر نیازی به پاسخ‌گویی نیست، زیرا با مطالعه متن پاسخ این شرکت، کذب‌بودن این ادعا مشخص می‌شود.

مدیرکل بنادر و دریانوردی استان سیستان‌وبلوچستان گفت: دومین کشتی حامل گندم اهدایی کشور هندوستان به افغانستان امروز در بندر چابهار پهلوگیری کرد. به گزارش «شرق»، بهروز آقایی، مدیرکل بنادر و دریانوردی سیستان‌وبلوچستان، در تشریح این‌خبر بیان کرد: مطابق برنامه صورت‌گرفته سری جدید کمک‌های انسان‌دوستانه دولت هند به مردم افغانستان در قالب محموله

ریسک‌های مربوط به کاهش محدودیت‌های قرنطینه باقی مانده است.

آنتونی فاوچی، کارشناس بیماری‌های مسری آمریکا به کنگره اعلام کرده که تسهیل محدودیت‌های قرنطینه ممکن است باعث شیوع موج جدیدی از ابتلا به کرونا شود که تاکنون جان ۸۰ هزار آمریکایی را گرفته و به اقتصاد این کشور به‌شدت صدمه زده است. موارد جدیدی از ابتلا به کرونا در چین و کره جنوبی گزارش شده که بحران کرونا در آنجا زودتر از سایر کشورهای جهان آغاز شده بود.در بخش عرضه هم هیئت دولت عربستان سعودی از کشورهای اوپک پلاس درخواست کرده بود به‌منظور احیای بازار جهانی نفت، تولید خود را بیشتر کاهش دهند. گروه اوپک پلاس که متشکل از اوپک، روسیه و سایر تولیدکنندگان است، در واکنش به سقوط ۳۰درصدی تقاضای جهانی برای نفت، تحت توافق جدیدی تولیدش را مجموعاً ۹.۷ میلیون بشکه در روز در ماه‌های می و ژوئن کاهش خواهد داد.در این بین، گزارش مؤسسه امریکن پترولیوم نشان داد که ذخایر نفت آمریکا در هفته گذشته ۷.۶ میلیون بشکه رشد کرده و به ۵۲۶.۲ میلیون بشکه رسیده است؛ درحالی‌که تحلیلگران رشد ذخایر به میزان ۴.۱ میلیون بشکه را پیش‌بینی کرده بودند.بر اساس گزارش رویترز، اداره اطلاعات انرژی آمریکا در گزارش ماهانه خود که روز سه‌شنبه منتشر شد، پیش‌بینی خود از رشد تقاضای جهانی

اقتصاد

کاهش قیمت نفت از ترس موج دوم شیوع کرونا

ریزش قیمت نفت جدی نیست



Reuters

برای نفت در سال ۲۰۲۰ را به میزان دو میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داد و ۸.۱۳ میلیون بشکه در روز برآورد کرد. همچنین برآورد رشد تقاضای جهانی برای نفت در سال ۲۰۲۱ را به میزان ۵۸۰ هزار بشکه در روز کاهش داد و ۶.۹۹ میلیون بشکه در روز برآورد کرد.

بازارنفت به اخبار منفی دیر واکنش نشان می‌دهد
ایمان ناصری، مدیرکل خاورمیانه مؤسسه مشاوران بازار نفت و گاز FGE با بیان اینکه گاهی اخباری در طول یک ماه منتشر می‌شود که بازار را مثبت یا منفی می‌کند اما پایدار نمی‌مانند، می‌گوید: بازار نفت وقتی اخبار بسیار منفی است، تلاش می‌کند دی واکنش نشان دهد؛ حتی در ریزش قیمت نفت در دوره قبلی، با وجودی که هشدارها را دو هفته قبل آن داده شده بود، بازار واکنش جدی نشان نداد تا اینکه در روز آخر معاملات کاغذی و مبتث یا منفی می‌کند اما پایدار نمی‌مانند، می‌گوید: بازار نفت وقتی اخبار بسیار منفی است، تلاش می‌کند دی واکنش نشان دهد؛ حتی در ریزش قیمت نفت در دوره قبلی، با وجودی که هشدارها را دو هفته قبل آن داده شده بود، بازار واکنش جدی نشان نداد تا اینکه در روز آخر معاملات کاغذی و مبتث یا تلاش زیاد معامله‌کنندگان برای فروش هرچه سریع‌تر معاملات، بازار به‌شدت ریزش کرد. بنابراین باید در نظر داشته باشیم که در کوتاه‌مدت بازار نفت را تحلیل نکنیم.

افت قیمت برنت، فقط یک نوسان عادی است

ناصری با تأکید بر اینکه نوسان رخ‌داده پایدار نیست و فقط یک نوسان عادی در بازار نفت به‌شمار می‌رود، ادامه می‌دهد: تا زمانی که موج دوم شیوع کرونا در حقیقت به واقعیت بدل نشود، ریزش جدی در بازار نفت رخ نخواهد داد.

بازتاب

واکنش شرکت ملی نفتکش:

ادعای وکیل ۱۰ خدمه سانچی کذب است

۳- وکیل میزبور در بخش دیگری از اکاذیب خود مدعی شده که شرکت ملی نفتکش ایران مستمری و بیمه خانواده‌های معترض را قطع یا به حداقل رسانده است. این در حالی است که حتی با اندک

سواد عمومی می‌توان دریافت که پرداخت مستمری و بیمه تأمین اجتماعی صرفاً توسط سازمان تأمین اجتماعی انجام می‌شود و کارفرما پس از فوت مستخدم خود و به‌الحاظ قطع رابطه استخدامی دیگر هیچ‌چیز تحت عناوین حقوق، مستمری و… به بازماندگان مستخدم پرداخت نمی‌کند و پرداخت مستمری از تکلیف سازمان تأمین اجتماعی یا صندوق است که مستخدم تحت پوشش آن قرار گرفته است. از این‌رو به‌منظور تشحید ذهن وکیل محترم و ارائه مشاوره در این زمینه ابتدایی حقوقی، به نامبرده توصیه می‌شود موکلان خود را به سازمان تأمین اجتماعی جهت دریافت مستمری ارجاع دهند تا این مشکل خانواده‌های محترم که ناشی از عدم تسلط وکیل و مشاور حقوقی ایشان به قوانین است، برطرف شود.

۴- درخصوص مسائل فنی و ادعاهای مطرح‌شده ازقبیل قایق نجات سمت راست کشتی، ترکیب محموله سوخت کشتی، مبالغ صرف‌شده توسط بیمه بین‌المللی از آغاز فرایند سانحه سانچی تاکنون و… باتوجه به عدم تخصص وکیل پرونده در مسائل دریایی و باتوجه به پاسخ‌های متعددی که این شرکت طی دو سال و نیم گذشته ارائه کرده و آخرین مورد هم در شماره ۱۴ اردیبهشت روزنامه شرق منعکس شده است، این شرکت وکیل محترم را به مطالعه گزارش صادره توسط کمیته تخصصی سازمان جهانی دریانوردی (متشکل از ۵ کشور دخیل در سانحه) دعوت می‌کند. امید است پس از مطالعه ایشان، برداشت‌های عامیانه وکیل محترم از سانحه کاملاً برطرف شود.

۵- برخلاف ادعای مطرح‌شده در مطالب وکیل این گروه از خانواده‌ها، مبالغه‌ای که از آغاز فرایند سانحه سانچی در خصوص خسارت‌های مختلف و اقدامات عملیات امداد و نجات، ربات ریزآبی و خروج سوخت صرف شده و شامل ۵۲ میلیون یورو تاکنون است، همه توسط شرکت بیمه‌گر بین‌المللی پرداخت شده و از منابع این شرکت و

ورود دومین محموله گندم اهدایی کشور هند به افغانستان

۷۵ هزارتنی گندم از طریق بندر چابهار وارد این بندر اقیانوسی شد. وی با بیان اینکه بخش اول این محموله در قالب ۲۰۳ کانتینر به وزن پنج هزار تن، ۲۷ فروردین‌ماه از طریق بندر چابهار وارد و به طور کامل طی ۱۲ روز به افغانستان ارسال شد، افزود: امروز کشتی حامل دومین بخش از این کمک‌ها در بندر شهید بهشتی پهلوگیری کرد. این مقام مسئول بندر تصریح کرد: این محموله با کشتی کاشان حامل ۴۳۵

او در ادامه با اشاره به احتمال وقوع موج دوم کرونا تأکید می‌کند: اگر این اتفاق در واقعیت رخ دهد، بازار نفت به آن واکنش نشان می‌دهد اما ترس از پدیده‌ای که وقوع آن هنوز اثبات نشده، نمی‌تواند ریزش جدی قیمت نفت را در بازار به دنبال داشته باشد. ناصری با بیان اینکه ریزش قیمت نفت، هنوز در مرحله نخست ریزش ناشی از شیوع ویروس کروناست، تصریح می‌کند: ریزش دوم یا در اواخر ماه می یا در ماه ژوئن اتفاق می‌افتد. این ریزش زمانی است که انبارهای نفت و فرآورده‌های نفتی مملو شوند. اکنون انبارکردن از نفت خام به فرآورده‌های نفتی شیفت پیدا می‌کند، زیرا از اول ماه می، کاهش تولید نفت خام آغاز شده و اکنون پالایشگاه‌ها اقدام به ذخیره فرآورده‌های خود می‌کنند،

زیرا تولید در پالایشگاه‌ها از تولید نفت خام سرعت بیشتری دارد.

راهی برای نجات

ناصری در ادامه به اتفاق دیگری اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد به نجات نفت می‌آید: براساس پیش‌بینی‌ها وقتی همه ذخایر پر شد، باهم با ریزش مواجه خواهیم بود. این تحلیل بر مبنای بررسی هفته‌های اخیر است اما به نظر می‌رسد کم‌کم کمربند شود.او ادامه می‌دهد: در بررسی فاندامنرال اعداد، به این نکته رسیده‌ایم که ممکن است این اتفاق نیفتد و کم‌کم این چاله اخیر پر شود و روند ریزش قیمت نفت کند شده و از عمق قاعجه کاسته شود؛ زیرا کاهش شدید تولید نفت آمریکا شروع شده است که در ماه‌های آینده رخ می‌دهد. مدیرکل خاورمیانه مؤسسه مشاوران بازار نفت و گاز FGE در ادامه توضیح می‌دهد: با بررسی روند کاهش تولید نفت در آمریکا، به نظر می‌رسد تا یک ماه دیگر، تولید نفت آمریکا به سه سال قبل برگردد؛ درواقع در طول سه ماه، رشد تولید نفت آمریکا حذف شده و میزان آن به سه سال قبل بازگردد. باین‌حال، اگر قیمت‌ها به جریان عادی بازگردد، این تولید نیز بازخواهد گشت اما این کاهش شدید سبب می‌شود تا مقدار زیادی از فشاری که روی مخازن نفتی وجود داشته و در بی آن، فشار روی قیمت نفت کاهش یابد که اگر چنین شود، ریکاوری بازار نفت به‌کندی اما به‌صورت پیوسته انجام می‌شود.

یادداشت

دولت ولت، گرفتار در چنبره ارز ۴۲۰۰ تومانی

منصور انصاری

● موضوع حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و استمرار این وضعیت مخالفان و طرفدارانی دارد. طرفداران و مخالفان تخصیص ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی چه می‌گویند و پایه اصلی استدلال آنها چیست؟ کدام گروه منافع ملی را در نظرات خود ملحوظ می‌کنند؟ چرا دولت، گرفتار در این چرخه بی‌حاصل تاریخی شده است؟ چگونه باید ارزیابی کرد و تشخیص داد که تخصیص ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی و ضروری در فرایند نهایی به نفع طبقات پایین‌دست و ضعیف با قدرت خرید اندک است و آیا این سیاست اقتصادی، فاصله طبقاتی را کاهش داده و می‌دهد یا افزون کرده است؟ به عبارتی، این سیاست که برای کاهش ضریب جینی اتخاذ شده و می‌شود، تا چه حدی توانسته است موفق باشد؟ مبنای نظری این سیاست از کدام دکتربن تعریف‌شده اقتصاد سیاسی نشئت گرفته؟ روند تاریخی تأثیرگذاری ارز ارزان‌قیمت از ابتدای انقلاب تاکنون چه نموداری را نشان می‌دهد؟ اگر این نوع سیاست‌گذاری، در ایجاد اختلافات فاحش طبقاتی مؤثر نبوده است، آنچه در سطوح مختلف جامعه کاملاً مشهود است و مردم می‌گویند و ناراضانی اکثر اقلشار و طبقات اجتماعی را برانگیخته است، از چه نوع سیاست اقتصادی حاصل شده است؟

پاسخ به مجموعه‌ای از این پرسش‌ها، زمینه ارزیابی واقعی تخصیص ارز ارزان‌قیمت را برای کالاهایی که با عنوان «اساسی»، «غیراساسی» و «واسطه‌ای» تعریف می‌شوند، آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که آیا دولت‌های مختلف با دیدگاه‌های متفاوت و اغلب متضاد در ۴۰ سال گذشته، در این شیوه اداره بازار و بازرگانی موفق بوده‌اند یا در دامچاله این سیاست اقتصادی به‌ظاهر مردم‌دارانه؛ یعنی حمایت از دهک‌های پایین اجتماعی دروغ‌نیده‌اند؟!درعین‌حال باید پرسید که آیا می‌توان توام با یکپارچه‌سازی نرخ ارز، یک راهکار اقتصادی مطمئن برای قدرت خرید بخش کم‌برخوردار جامعه و جلوگیری از افزایش محرومیت آنان فراهم کرد تا بخش عمده‌ای از نگرانی و ترس دولت‌ها از شورش طبقات پایین‌دست محروم جامعه را کاهش داد؟ از نرخ دلار هفت تومانی گرفته تا آزاد، ترجیحی، شناور، چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و نیمایی، نشان می‌دهد ضربه واقعیت‌های دست‌ورنابپذیر اقتصادی، چانه دولت‌ها را به‌گونه‌ای کج‌ومعوج کرده است که مدام در ۴۰ سال گذشته این نرخ را بالا برده و در این بالاترین‌ها به بسیاری از آن رانت بهره‌مند بوده‌اند، با کمترین میزان تولید یا ایجاد دانش فنی و تکنولوژی برای تولید و خدمات در صحنه‌های مختلف، به ثروت‌های افسانه‌ای بادآورده یا «آفتاب به آفتاب» رسیده‌اند، البته عده‌ای هم هرچند اندک، کالای وارداتی‌شان در گمرک، میان دو زمان افزایش نرخ ارز برای ترخیص گرفتار آمد و به خاک سیاه نشستند!به عبارت ساده، با یک نرخ دولتی گشایش اعتبار کرده‌اند و وقتی کالاهای‌شان به بنادر رسیده و باید ترخیص و وارد بازار کنند، یکباره نرخ ارز دولتی دو یا سه برابر شده است و در نتیجه این دسته از واردکنندگان با آسیب جدی مواجه شده‌اند، کسانی نیز مواد اولیه خود را با ارز ارزان وارد و کالای تولیدی‌شان را با نرخ ارز افزایش‌یافته به بازار عرضه کردند. ایشان نیز در یک فاصله زمانی کوتاه به ثروتی تصورناپذیر دست یافتند!به عبارتی، بخش این ارز بالا‌رونده، نه‌تنها ثباتی برای تولید، بازار، عرضه و تقاضا و دهک‌های پایین ایجاد نکرده؛ بلکه همه فرایندهای فوق را با نوسانات ویران‌کننده نیز مواجه کرده و دلهره‌های بی‌پایانی برای بخش‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاران و نهایتاً مردم ایجاد کرده است که فردا چه خواهد شد؟ این کالا را بخیریم یا نخیریم؟ نرخ ارز بالا می‌رود یا ثابت نگه داشته می‌شود؟حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی، ضریب فساد نظام اقتصادی رانتی را کم می‌کند. به زبان ساده، میزان برخورداری یک طبقه ممتاز از منابع ارزان را کاهش، جایگاه بازرگانان بخش خصوصی را برجسته و عرصه رقابت را شفاف و واقعی خواهد کرد. بخوربخورها با پوشش‌های موجه و ظاهرالصلاح کمتر و در واقع بخشی از پوسته سوااستفاده‌ها برملا می‌شود؛ گرچه در فرایند نهایی، اقشار آسیب‌پذیر ناگزیرند چند کالای عمده را گران‌تر خریداری کنند که در چنین شرایطی، چهره واقعی دولت در حمایت از این اقشار عریان می‌شود. دولت‌ها هرکدام از هر جناح و گرایشی و در کنار هر نوع مجلسی، به ناکزیر توانایی خود را در کاهش ضریب جینی (با تسامح، فاصله اقتصادی دهک‌های اجتماعی) نشان می‌دهند؛ زیرا شکاف طبقاتی تعادل جامعه را به هم می‌ریزد و دامنه نارضایتی را گسترش می‌دهد.وجود هرگونه ارز ارزان در ۴۰ سال گذشته، با وجود چهره حمایتی از اقشار پایین‌دست و مقابله با گرانی کالاهای اساسی، یکی از مصیبت‌ها و آسیب‌های اجتماعی بوده و موجب شده است که هیچ‌گونه نظام سیاسی-اقتصادی مشخص و معینی به وجود نیاید.